

یان ریچارد نتون

---

# خدای متعال

مطالعاتی دربارهٔ ساختار و نشانه‌شناسی  
فلسفه، کلام و جهان‌شناسی اسلامی

---

سیده‌لیلا اصغری

ویراستار علمی: سیدعلی اصغری



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۷

## فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	پیش‌گفتار و سپاس‌گزاری
۱۷	اختصارات
۱۹	۱. مقدمه
۱۹	وجوه خداوند
۲۷	اسکندریه
۳۵	گندی‌شاپور
۳۷	حزّان
۳۹	«الگوی خالق قرآنی» و ساختار اندیشه اسلامی
۷۷	۲. کندی: تماشاگری در آستانه
۷۷	چهار سیمای کندی
۷۹	کندی قرآنی و خدا
۸۳	کندی ارسطویی و خدا
۸۸	کندی معتزلی و خدا
۹۲	کندی نوافلاطونی و خدا
۱۰۰	برهان کندی برای اثبات وجود خدا
۱۰۶	عالم الهیاتی کندی: ساختار و نشانه‌شناسی
۱۴۳	۳. فارابی: جست‌وجوی نظام
۱۴۳	راه عسقلان: مرد و جست‌وجوی او
۱۴۶	فارابی و صفات خدا
۱۵۴	ذات و وجود
۱۶۰	صدور
۱۷۰	برهان فارابی برای اثبات وجود خدا

- عالم مکتب فارابی: صدور ساختار و ساختار صدور ۱۷۲
۴. خدای محبوب و واجب ابن سینا ۲۰۳
- ارزیابی‌ها و تعریف‌های مقدماتی ۲۰۳
- و جوب و وحدت ۲۰۵
- دیگر صفات خدای ابن سینا ۲۰۸
- صدور: جهان‌شناسی و فرشته‌شناسی ابن سینا ۲۱۸
- براهین ابن سینا برای اثبات وجود خدا ۲۲۹
- بعد عرفانی خدای ابن سینا ۲۳۲
- ساختار الهیات سینوی: تمثیل به‌عنوان آینه ۲۳۶
۵. خدای اسماعیلیه قرون میانه: گونه‌های جهان‌شناختی یک مضمون نوافلاطونی ۲۷۱
- آموزه اولیه ۲۷۱
- نسفی و نفوذ مکتب نوافلاطونی ۲۷۸
- سجستانی و شکوفایی نوافلاطون‌گرایی اسماعیلی ۲۸۳
- کرمانی و تکثیر اقوم‌ها ۲۹۱
- حامدی و خدایی کردن اسطوره نوافلاطونی ۲۹۸
- ساختار اسطوره و الهیات اسماعیلی ۳۰۳
۶. اشراق و وحدت: جهان‌عرفانی سهروردی و ابن عربی ۳۳۳
- سهروردی و اصول اشراق ۳۳۳
- خدای نور ۳۳۴
- صدور، فرشته‌شناسی و جهان‌شناسی از دیدگاه سهروردی ۳۳۷
- نظام طولی انوار ملکی (طبقات الطول) ۳۳۸
- نظام عرضی انوار ملکی (طبقات العرض) ۳۴۰
- انوار مدبّره ۳۴۴
- پارادوکس ابن عربی ۳۴۶
- دیدگاه ابن عربی در باب خداوند ۳۴۷
- ابن عربی و صدور ۳۵۸
- تصوف، «اتحاد» با خداوند و ابن عربی ۳۶۴
- نشانه‌شناسی سهروردی و ساختار حقیقت به گفته ابن عربی ۳۶۷
۷. نتیجه: واژگان تعالی: به‌سوی نظریه‌ای نشانه‌شناختی درباره‌ی الهیات اسلامی ۴۱۱
- کتاب‌نامه ۴۳۱
- فهرست نمودارها ۴۶۷
- نمایه ۴۶۹

## مقدمه

### وجوه خداوند

خداوند از چند وجه برخوردار است؟ مصرشناسان سال‌های زیادی با این مسئله کلنجار رفته‌اند تا مشخص کنند که آیا چندخدایی<sup>۱</sup> مصریان باستان نهایتاً قابل تحویل به یک موجود مطلق بوده است یا نه. آیا مصریان، یا دست‌کم برخی از تشریف‌یافتگان و کشیشان، باور داشته‌اند که ایسیس<sup>۲</sup>، اُسیریس<sup>۳</sup>، هوروس<sup>۴</sup>، آنوییس<sup>۵</sup> و بقیه خدایان کمتر شناخته‌شده واقعاً همه‌شان چهره‌ها یا «وجه‌ها»ی یک خدای قادر بوده‌اند؟ بسیاری از دانشمندان، خصوصاً در قرن نوزدهم، اظهار داشته‌اند که چنین بوده است. بعدها دیگران علیه تلقی کاملاً توحیدی از الوهیت واکنش نشان داده‌اند، در حالی که کارل بث<sup>۶</sup> در اوایل قرن بیستم معتقد بود که در تفکر مصری هم تک‌خدایی و هم چندخدایی را می‌توان دید. او همچنین هشدار می‌دهد که در

---

#### 1. pantheon

۲. Isis، الهه طبیعت در دین مصر باستان، خواهر و همسر اُسیریس و مادر هوروس - م.

۳. Osiris، خدای جهان زیر زمین - م.

۴. Horus، خدای خورشید، نور و نیکی - م.

۵. Anubis، خدای مقابر در اساطیر مصر. اغلب آن را با هرمس یونانیان یکی می‌دانند - م.

#### 6. Karl Beth

برجسته کردن ماهیت اختصاصی دین مصر هیچ‌کدام از این عنوان‌ها حقیقتاً کارآمد نیست.<sup>(۱)</sup> این نزاع تا امروز ادامه پیدا کرده است.

متألهان دین یونان باستان و آیین هندو مسائل مشابهی را مطرح می‌کنند. از دیرباز، مفهوم یک خدای مطلق و خدایان بسیار نظیر زنوس،<sup>۱</sup> آپولو<sup>۲</sup> و هرا<sup>۳</sup> ذهن یونانیان را مشغول و توجه ایشان را به خود جلب کرده بود. بدین ترتیب، کسینوفانس<sup>۴</sup> شاعر (در حدود ۵۷۰-۴۷۰ ق م) اظهار داشته است: «خداوند یکی است، بزرگ‌ترین است در میان خدایان و انسان، به هیچ وجه همانند میرایان نیست، نه در بدن و در نفس».<sup>(۲)</sup> به‌علاوه، او به‌خصوص به انسان‌وارانگاری<sup>۵</sup> هومر<sup>۶</sup> و هسیود<sup>۷</sup> در تصویرشان از خدایان اعتراض کرده است.<sup>(۳)</sup> افلاطون از یک خدا و چند خدا سخن به میان آورده است.<sup>(۴)</sup> اما در آیین هندو، لورنس باب<sup>۸</sup> مؤکداً می‌گوید:

نهایتاً، همان‌طور که بی‌توجه‌ترین متعلم آیین هندو می‌داند، همه خدایان و همه الهگان «یکی» اند. این آموزه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و صرفاً مته به خشاش گذاشتن فیلسوفان ملالغتی نیست. آموزه‌ای است که مکرر در این متون بازگو می‌شود و روستاییان بی‌سواد هم به‌راحتی اظهار می‌دارند که هرچند الوهیت‌های بسیار وجود دارد و ویژگی‌های متفاوت و گهگاه متناقضی دارند، اما در پایان همه آنها یکی‌اند. به یک معنا، نبود روساخت، ساختاری عمیق‌تر از نوعی دیگر را مجاز می‌گرداند.<sup>(۵)</sup>

۱. Zeus، خدای خدایان؛ از فرزندان می‌توان آپولو، آفرودیت، آرتیمیس، هرمس و آتیه را نام برد. وی بیش از ۶۸۵ عنوان و لقب دارد که نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف قدرت اوست - م.
۲. Apollo، خدای نور و پیشگویی؛ او حامی موسیقی و تیراندازی بود - م.
۳. Hera، ملکه آسمان‌ها؛ خواهر و همسر زنوس - م.

4. Xenophanes
5. anthropomorphism
6. Homer
7. Hesiod
8. Lawrence A. Babb

به شیوه‌ای دیگر، شکل‌های متنوع خدای واحد - کریشنا،<sup>۱</sup> ویشنو،<sup>۲</sup> راما<sup>۳</sup> و غیره - را «با شخصی واحد که در سینماها یا نمایش‌های تصویری ظاهر می‌گردد و هم‌زمان در مقام افراد مختلفی دیده می‌شود»<sup>(۶)</sup> می‌توان مقایسه کرد.

اما اسلام، جز در بدعت‌آمیزترین شکل‌هایش، مجبور نبوده است با این مشکل سروکار پیدا کند. کشمکش بین توحید حقیقی و چندخدایی روزمره، همراه با گروه خدایان کوچک و بزرگی که در هیئت‌های مختلف مراقب تک‌تک افعال انسان‌اند، رخ نداده است. به‌ندرت تلاشی صورت گرفته است که محمد<sup>(ص)</sup>، علی<sup>(ع)</sup>، دیگر خلفای آغازین یا حتی پیامبران اولوالعظم اسلام نظیر ابراهیم از تجلیات الوهیت معرفی شوند.<sup>(۷)</sup> در مقابل، معمولاً بر انسانیت محض محمد<sup>(ص)</sup> تأکید شده است، انسانیتی که - بر خلاف منابع حدیثی، که عکس این مطلب در آن هست - حتی با معجزات دیگر، جز منادی قرآن بودن، بزرگ نشده است.<sup>(۸)</sup>

در اسلام راست‌کیش خداوند آشکارا واحد است و آموزه توحید در قرآن و در مجموعه عظیم آثار اسلامی اندیشه اصلی و دائمی است. شرک به‌عنوان شنیع‌ترین و نابخشودنی‌ترین گناهان<sup>(۹)</sup> صراحتاً محکوم و سرزنش شده است و مسیحیان بدعت‌گذار معتقد به آموزه تثلیث بخشوده نمی‌شوند.<sup>(۱۰)</sup>

اما مسئله «وجوه» الهی در اسلام هم وجود داشته است: نه به معنای الوهیت واحدی که به خدایان بسیار تقسیم یا با آنها نمایان شده، بل صرفاً بدین معنا که مسلمانان طی سالیان متمادی تلقی‌های کاملاً متفاوتی از خدای واحدشان داشته‌اند. از این نظر، اسلام به هیچ وجه از وحدت برخوردار نیست. مثلاً مسیحیت از همان روزهای آغازین مجبور شد با مسائلی چون انسان‌وارانگاری و تمثیل رودررو شود و تحلیل کند آن خدایی که پرستش می‌شود چگونه خدایی است و تصمیم بگیرد که انسان چگونه می‌تواند به بهترین وجه درباره او سخن بگوید و معیارهایی برای تفسیر کتاب مقدس بشناساند که به حد میانه‌ای بین

۱. Krishna، هشتمین مظهر و تجلی ویشنو - م.

۲. Viṣṇu، در زبان سانسکریت یعنی نافذ و منتشر در همه جا، از خدایان عمده آیین هندو - م.

۳. Rāma، ششمین مظهر و تجلی ویشنو - م.